

ارزیابی آراء مفسرین و فقهای فریقین در ارتباط با برخی از آیات نکاح

فاطمه اردستانی

چکیده:

بحث و بررسی پیرامون آراء فقها و مفسرین فریقین در ارتباط با آیات نکاح، یکی از مهمترین زمینه های تحقیق در عرصه ی آیات الأحکام است. با شناخت مبانی اختلاف مفسران اسلامی در این باره و همچنین استخراج مشترکات فقهی و تفسیری فریقین راجع به مباحث مهم ازدواج، می توان به تسریع روند تقریب مذاهب اسلامی کمک نمود.

در این تحقیق، بحث فقط بر روی چهار اختلاف فقهی و تفسیری است که در آیات مربوط به ازدواج موقت، آیه ی مربوط به ازدواج با مشرکین و اهل کتاب، آیه ی مربوط به ازدواج زناکار با افراد صالح و آیه ی مربوط به بحث حرث بودن زن به آن اشاره شده است.

در تمامی آیات مذکور، اختلافات و اشتراکات مهمی وجود دارد که این تحقیق با توجه به مجال محدود آن، در این باره سامان یافته است.

کلمات کلیدی: آیات الاحکام، آیات نکاح، امامیه، اهل سنت، مفسران.

مقدمه:

یکی از زمینه های بحث در تفاسیر قرآن، نگرش و رویکرد فقهی به آیات است. این رویکرد هم در میان مفسران شیعه و هم در میان مفسران اهل تسنن رواج داشته و بسیاری از آیات قرآن موسوم به آیات الأحکام با این روش تفسیر می شوند. مسلماً آراء حاصل از نگرش های فقهی به آیات، به گونه ای ریشه در مذهب فقهی مفسران دارد و از این جهت، آیات الأحکام عرصه مهمی برای تضارب آراء به شمار می رود. در این میان بررسی تطبیقی شاخص ترین آیات مربوط به ازدواج و طلاق مانند آیات ازدواج موقت، ازدواج با اهل کتاب و ... به عنوان آیات مرتبط با حوزه زنان و خانواده از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

در این تحقیق بحث بر روی این مسأله متمرکز شده که اشتراکات و اختلافات فقهی فریقین بر اساس آراء و تفاسیر فقهی آنان در مورد آیات نکاح چیست؟ لازم به ذکر است که در این تحقیق، به کلیات نظر فقه و تفسیر امامیه و فقه و تفسیر اهل سنت پرداخته شده است.

- بررسی آیات:

- آیه اول: «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَلَأَمَةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ...»^۱

شأن نزول این آیه بیانگر این است که مرد مسلمان حق ازدواج با زن مشرک را ندارد و زن مسلمان را نیز نمی توان به نکاح مرد مشرک درآورد، مگر آنکه مسلمان شده و ایمان بیاورند.

برخی قائلند که این آیه درباره ی «مرثد بن ابی مرثده غنوی» نازل شده که مرد شجاعی بود و پیامبر (ص) او را به مکه فرستاد تا برخی از مسلمانان که در مکه مانده بودند، با خود به مدینه بیاورد؛ پس از آنکه وی وارد مکه می شود، زنی به نام «عناق» که با او در زمان جاهلیت دوست بوده، وی را دعوت به اعمال

^۱ - بقره: ۲۲۱

غریزه جنسی می کند، اما او او امتناع ورزیده و لذا آن زن از او درخواست ازدواج می کند، اما او این کار را منوط به اجازه پیامبر (ص) نموده و سپس این آیه نازل می شود.^۱

کلمه ی نکاح در لغت به معنای اِعمال غریزه ی جنسی است و در شرع به معنای ازدواج نمودن است که در این آیه در همین معنای شرعی استعمال شده است.^۲

در این که منظور از کفار و مشرکین چه کسانی هستند، دو نظر از حیث توسعه و ضیق وجود دارد: نظر اول بر آن است که کلمه ی شرک در آیه ی مذکور شامل همه ی کفار، اعم از بت پرستان، اهل کتاب و ... می شود و با این تفسیر، بسیاری از فقهای امامیه، ازدواج مرد مسلمان با زن کتابی را حرام می دانند. بنابر این نظر، مدلول آیه ی «الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ...»^۳ مربوط به زنان کتابی مسلمان شده و یا ملک یمین دانسته شده و برخی از قائلین به این دیدگاه، این آیه را منسوخ دانسته اند؛^۴ روایات متعددی نیز در اثبات این سخن آورده شده که از جمله ی آنها روایت ذیل است:

«محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن ابن فضال، عن الحسن بن جهم قال: قال لي أبو الحسن الرضا (عليه السلام) يا أبا محمد ما تقول في رجل يتزوج نصرانية على مسلمة؟ قلت: جعلت فداك وما قولي بين يديك، قال: لتقولن فإن ذلك يعلم به قولي، قلت: لا يجوز تزويج النصرانية على مسلمة ولا غير مسلمة، قال: ولم؟ قلت: لقول الله عز وجل (ولا تنكحوا المشركات حتى يؤمن) قال: فما تقول في هذه الآية: (والمحصنات من الذين اتوا الكتاب من قبلكم)؟ قلت: فقلوه: (ولا تنكحوا المشركات) نسخت هذه الآية فتبسم ثم سكت».^۵

البته استدلال آنان به مستندات مذکور، مورد مناقشه قرار گرفته است؛ به عنوان مثال درباره آیه ی سوره ی مائده بیان شده که تحریم مذکور، تحریم ابتدائی نیست بلکه مربوط به مردی است که تازه مسلمان

^۱ - سیوطی، اسباب النزول، ص ۳۲/ طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۱۷

^۲ - لاهیجی، تفسیر جامع آیات الاحکام، ج ۹، ص ۱۲۲

^۳ - مائده: ۵

^۴ - کاظمی، مسالک الافهام إلى آیات الاحکام، ج ۳، ص ۲۳۶-۲۳۵/ آیات الاحکام فی جواهر الکلام، ج ۱، ص ۵۱۶

^۵ - کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۵۷

شده و زنی از اهل کتاب را به عقد خود دارد، که در صورتی می تواند او را نگه دارد که آن زن نیز مسلمان شود.

علاوه بر این، این دسته از فقها برای اثبات مدعای خود به برخی از آیات از جمله «وَلَا تُمْسِكُوا بِعَصَمِ الْكُوفَرِ...»^۱ نیز استناد نموده اند. «شیخ طوسی» قائل است که با توجه به این آیه، زن کافر چه ذمی یا حربی و ... باشد، نمی تواند به عقد مسلمان درآید.^۲

اما نظر دوم بر این پایه است که تنها بت پرستان مشرکند و اهل کتاب داخل مشرکین نیستند، همانگونه که آیه «لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُتَفَكِّينَ...»^۳ این دو صنف را مقابل هم قرار داده است و عطف مقتضی مغایرت است، لذا با این توجیه آیه ی مذکور فقط دال بر حرمت ازدواج زن مسلمان با مشرک است و حرمت ازدواج با اهل کتاب از آن دریافت نمی شود. البته این استدلال مورد مناقشه قرار گرفته، با این بیان که عطف همیشه مقتضی مغایرت معطوف و معطوف علیه نیست، مگر آنکه فایده ای جز مغایرت از آن حاصل نشود.^۴

«علامه طباطبائی» قائل این است که کلمه ی مشرکات اسم فاعل از مصدر اشراک یعنی شریک گرفتن برای خداوند است و شرک مراتب مختلفی از نظر ظهور و خفاء دارد، اما نمی توان کلمه ی مشرک را به همه ی دارندگان مراتب شرک اطلاق کرد، چنانکه اگر مسلمانی امر واجبی را ترک کند به آن کفر ورزیده اما کلمه ی کافر به او اطلاق نمی شود، مثل آنجا که خداوند می فرماید: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ»^۵، که مسلمانی که با وجود استطاعت از انجام فریضه ی حج سرباز زند، در حقیقت کافر نیست بلکه فاسقی است که به یکی از واجبات خداوند کفر ورزیده است. از طرف دیگر در قرآن به اهل کتاب، مشرک اطلاق نشده است بلکه همواره در مورد کفار غیر اهل کتاب استعمال گردیده است.^۶

۱ - ممتحنة: ۱۰

۲ - شیخ طوسی، التبیان، ج ۱، ص ۲۳۴

۳ - بینه: ۱

۴ - فاضل مقداد، کنز العرفان، ص ۶۷۸

۵ - آل عمران: ۹۷

۶ - علامه طباطبائی، المیزان، ج ۲، ص ۲۰۴

با توجه به این توضیحات، ازدواج زن مسلمان با مرد کافر و مشرک جایز نیست و از طرف دیگر، ازدواج مرد مسلمان با زن کافر نیز به اجماع مسلمین نیز حرام است،^۱ اما درباره ی ازدواج با زن کافر کتابی، همانطور که گفته شد، اختلاف نظر وجود دارد.

از دیدگاه جمهور اهل سنت و برخی از فقهای امامیه مانند صاحب جواهر و شهید ثانی، ازدواج مرد مسلمان با زن کتابی جایز است و البته فقهای امامیه بعضاً قائل به کراهت شده اند.^۲ این دسته از فقها به اطلاق و عموم آیات «وَأَحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ...»^۳ و «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ...»^۴ و برخی از روایات مثبت این معنا، استدلال نموده اند.

لازم به ذکر است که برخی از فقهای امامیه، ازدواج با زن کتابی را به صورت عقد موقت جایز دانسته اند و لذا آن را به صورت عقد دائم حرام می دانند.^۵

– آیه دوم: «نِسَاءُكُمْ حَرْتُ لَكُمْ فَاتُوا حُرَّتَكُمْ أَنِّي شِئْتُ...»^۶

چنانکه از ظاهر آیه ی فوق بر می آید، بهره مندی جنسی مرد از زن در این آیه تجویز شده است که در واقع به مردان اجازه می دهد که آنگونه که می خواهند با همسران خود آمیزش کنند. در این آیه خداوند زنان را با استفاده از کلمه ی «حرث» به کشتزاری تشبیه فرموده که محصول آن، فرزند است اما آنچه مورد اشکال است، تفسیر کلمه ی «آئی» است که از دیدگاه مفسران و فقهای امامیه و اهل سنت، هم به صورت درون مذهبی و هم برون مذهبی در معنای آن اختلاف وجود دارد.

به طور کلی سه نظریه در این باره وجود دارد:

^۱ – بحرانی، الحقائق الناطرة، ج ۲۴، ص ۳ / زحیلی، الفقه الاسلامی و ادلته، ۷، ص ۱۵۲

^۲ – شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۷، ص ۳۵۸ / زحیلی، الفقه الاسلامی و ادلته، ۷، ص ۱۵۳

^۳ – نساء: ۲

^۴ – مائده: ۵

^۵ – علامه حلی، قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۳۸

^۶ – بقره: ۲۲۳

توجیه صحیح منع خلیفه دوم را علامه کاشف الغطاء این گونه بیان می‌کنند : «خلیفه از آن جهت به خود حق داد این موضوع را قدغن کند که تصور می‌کرد این مسئله داخل در حوزه اختیارات ولی امر مسلمین است و حاکم و ولی امر می‌تواند از اختیارات خود به حسب مقتضای عصر و زمان در این گونه امور استفاده کند ؛ به عبارت دیگر نهی خلیفه ، نهی سیاسی بود نه نهی شرعی و قانونی . طبق آنچه از تاریخ استفاده می‌شود ، خلیفه در دوران زعامت خود ، نگرانی خود را از پراکنده شدن صحابه در اقطار کشور تازه وسعت یافته اسلامی و اختلاط با ملل تازه مسلمان شده پنهان نمی‌کرد و تا زنده بود مانع پراکندگی آنها از مدینه بود و به طریق اولی از امتزاج خونی آنها با تازه مسلمانان قبل از آنکه عمیقاً تربیت اسلامی در آنها تأثیر کند ناراضی بود و آن را خطری برای نسل آینده به شمار می‌آورد. بدیهی است که این امر موقتی بوده است و به لحاظ مصلحت سیاسی و اجتماعی روز مورد استفاده قرار گرفت.»^۱

البته برخی بیان نموده اند که علت تحریم خلیفه دوم ، جلوگیری از سوء استفاده افراد بوده است اما وی می‌بایست به جای الغای قانون ، جلوی سوء استفاده ها را می‌گرفته است .

در هر صورت ، شکی نیست که علت عدم اعتراض مسلمین به خلیفه دوم، به دو دلیل بوده است:

۱- مسلمین ، فرمان خلیفه را به عنوان یک مصلحت سیاسی و موقتی تلقی کردند نه به عنوان یک قانون دائم و الا ممکن نبود خلیفه وقت بگوید پیامبر(ص) چنان می‌کرد و من چنین می‌کنم ؛ با این حال ، در طی سالها و قرون بعدی ، در اثر جریانات بخصوصی سیره خلفای پیشین و بالاخص دو خلیفه اول یک برنامه ثابت تلقی شد و در اثر تعصبات بعدی شکل یک قانون اصلی به خود گرفت.^۲

۲- بنابر سخن حضرت علی(ع) در خطبه «شقشقیه» در وصف روحیات و اخلاق خلیفه دوم، ایشان فردی خشن و سخت گیر بود^۳ و به همین دلیل، اصحاب پیامبر(ص) با حکم خلیفه ، مخالفت نکردند و دستور وی را عملاً رعایت می‌کردند ، تا از خشم او در امان بمانند.

^۱ - کاشف الغطاء، اصل الشیعه و اصولها ، ص ۲۶۳

^۲ - مطهری، نظام حقوق زن در اسلام ، ص ۶۷

^۳ - ترجمه نهج البلاغه ، خطبه ۳

نتیجه:

در مجموع از تحقیق حاضر پیرامون چهار آیه مورد بحث، نتایج ذیل حاصل می شود:

- ۱- در ارتباط با آیه ی ۲۲۱ سوره ی بقره، جمهور اهل سنت و برخی از فقهای امامیه قائل به جواز ازدواج مرد مسلمان با زن کتابی است که البته از نظر امامیه آن را به صورت موقت جایز می دانند.
- ۲- در ارتباط با آیه ی ۲۲۳ سوره ی بقره، از دیدگاه بسیاری از امامیه، «أَنّی» ظرف مکان دانسته شده و لذا آیه، نزدیکی با زن از طریق پشت را تجویز می کند اما از دیدگاه برخی از اهل سنت، «أَنّی» مربوط به زمان و مکان نزدیکی نیست بلکه گویای کیفیت آن است.
- ۳- در ارتباط با آیه ی ۵ سوره ی نور، بسیاری از امامیه و اهل سنت قائل به جواز ازدواج زانی و زانیه با افراد صالح می باشند که البته امامیه آن را مکروه می داند.
- ۴- در ارتباط با آیه ۲۴ سوره نساء، امامیه قائل به مشروعیت نکاح موقت و دوام این مشروعیت است اما از دیدگاه اهل سنت اختلاف مبنایی در آن وجود دارد و به دلایل مختلف، آن را مشروع نمی دانند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم
- * نهج البلاغه
- منابع عربی
- ۱- آلوسی، شهاب الدین محمود، تفسیر روح المعانی، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۵ق
- ۲- ابن حجر، تهذیب التهذیب، دار الفکر، ۱۴۰۴ق، چاپ اول
- ۳- ابن حزم، المحلی، دار الفکر، بیجا، بی تا
- ۴- ابن رشد، بدایه المجتهد، به تصحیح خالد عطار، دار الفکر، ۱۴۱۵ق
- ۵- ابن کثیر دمشقی اسماعیل بن عمرو، به تحقیق محمد حسین شمس الدین، تفسیر القرآن العظیم، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۹ق، چاپ اول
- ۶- الإمام احمد حنبل، مسند احمد، دار صادر، بیروت، بی تا
- ۷- الإمام مالک، الموطأ، به تحقیق محمد فؤاد عبد الباقي، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ق
- ۸- بحرانی، یوسف، حدائق الناظرة، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، بی تا
- ۹- بخاری، صحیح البخاری، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۱ق
- ۱۰- بیهقی، السنن الکبری، دار الفکر، بی جا، بی تا
- ۱۱- ترمذی، سنن ترمذی، عبد الوهاب عبد الطیف، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۳ق
- ۱۲- جصاص احمد بن علی، أحكام القرآن، به تحقیق محمد صادق قمحاوی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ق
- ۱۳- جمعی از متفکرین، المتعه و مشروعیتهای فی الإسلام، دار الزهراء، بیروت، ۱۴۱۵ق، چاپ پنجم
- ۱۴- نجفی محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام، به تصحیح عباس قوچانی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم
- ۱۵- حر العاملی، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البيت لأحیاء التراث، قم، ۱۴۱۴ق، چاپ دوم
- ۱۶- حلی، حسن بن یوسف، قواعد الاحکام، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۳ق
- ۱۷- دارمی عبدا... بن بهرام، سنن الدارمی، مطبعة الاعتدال، دمشق، ۱۳۴۹
- ۱۸- ذهبی، میزان الاعتدال، به تحقیق علی محمد بجاوی، دار المعرفه، ۱۳۸۲

- ١٩- رازی فخرالدین ، تفسیر مفاتیح الغیب (کبیر)، دار احیاء التراث العربی ، بیروت ، ١٤٢٠ ق ، چاپ سوم
- ٢٠- زحیلی، وهبة، الفقه الاسلامی و ادلته ، دار الفكر، دمشق، بی تا
- ٢١- زمخشری محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل ، دارالکتب العربی ، بیروت ، ١٤٠٧ ق ، چاپ سوم
- ٢٢- سائیس، محمد علی، احکام القرآن، مکتبة الصریة، بی جا، بی تا
- ٢٣- سجستانی ابن الأشعث، سنن ابی داوود، به تحقیق سعید محمد اللحام، دار الفكر، ١٤١٠ ق
- ٢٤- سیوطی جلال الدین ، الدر المنثور فی تفسیر المأثور ، کتابخانه آیت ... نجفی مرعشی ، قم ، ١٤٠٤ ق
- ٢٥- سیوطی جلال الدین ، لباب النقول فی اسباب النزول، دار الکتب العلمیة، بیروت، بی تا
- ٢٦- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، موسسه اعلمی للمطبوعات، لبنان، بی تا
- ٢٧- طبری محمد بن جریر ، جامع البیان فی تفسیر القرآن ، دارالمعرفه ، بیروت ، ١٤١٢ ق ، چاپ اول
- ٢٨- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبة الاعلام الاسلامی، ١٤٠٩ ق
- ٢٩- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، دار الکتب الاسلامی، تهران، بی تا
- ٣٠- طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، موسسة النشر الاسلامی، قم، ١٤٠٧ ق
- ٣١- عاملی، زین الدین، مسالک الافهام، موسسه المعارف الاسلامیة، ١٤١٣ ق
- ٣٢- فاضل مقداد جمال الدین ، کنز العرفان فی فقه القرآن ، مجمع جهانی تقریب مذاهب ، ١٤١٩ ق ، چاپ اول / ترجمه کنز العرفان، عقیقی بخشایشی، نشر نوید اسلام، ١٣٨٨ ش
- ٣٣- قرطبی محمد بن احمد ، الجامع لأحكام القرآن ، ناصر خسرو ، تهران ، ١٣٦٤ ش ، چاپ اول
- ٣٤- قزوینی محمد بن یزید ، سنن ابن ماجه ، به تحقیق محمد فؤاد عبد الباقي ، دار الفكر ، بیروت
- ٣٥- کاشف الغطاء ، اصل الشیعه و اصولها ، به تحقیق علاء آل جعفر ، مؤسسه امام علی (ع) ، ١٤١٥ ق
- ٣٦- کاظمی، جواد، مسالک الافهام الی آیات الاحکام، نشر مکتبة المرتضویة، ١٤٢٩ ق
- ٣٧- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الاسلامیة، تهران، ١٣٦٣ ش
- ٣٨- مارذینی ، الجوهر النقی ، دار الفكر، بی جا، بی تا
- ٣٩- محبی، صاحب علی، آیات الاحکام فی جواهر الکلام، موسسه احسن الحدیث، ١٤٢٩ ق
- ٤٠- مروارید علی اصغر ، سلسله الینایع الفقهیة ، موسسه فقه الشیعه ، الدار الإسلامیة ، چاپ اول
- ٤١- مکارم، ناصر، تفسیر نمونه، بی نا، بی جا، بی تا
- ٤٢- مقدسی، ابن قدامه، المغنی، دار الکتب العربی، بیروت، بی تا

- ۴۳- نسائی ، سنن النسائی ، دار الفكر ، بیروت ، ۱۳۴۸
- ۴۴- نیشابوری الحاکم ، ابو عبدالله، المستدرک ، به تحقیق یوسف عبد الرحمن المرعشلی، دارالمعرفة، بیروت، بی تا
- ۴۵- نیشابوری مسلم ، صحیح المسلم ، دار الفكر ، بیروت، بی تا
- منابع فارسی
- ۴۶- امینی عبدالحسین ، الغدير ، ترجمه جمال موسوی ، نشر ایرانمهر ، ۱۳۵۳ش
- ۴۷- سبحانی جعفر ، ازدواج موقت در کتاب و سنت ، فصلنامه تخصصی فقه اهل بیت(ع) ، سال ۱۲ ، شماره ۴۸
- ۴۸- طباطبایی محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن ، ترجمه محمد خامنه ، دار العلم ، قم ، ۱۳۴۴
- ۴۹- لاهیجی، زین العابدین، تفسیر جامع آیات الاحکام، نشر سایه، قم، ۱۳۸۴ش
- ۵۰- عسگری مرتضی ، ترجمه معالم المدرستین(دو مکتب در اسلام) ، ترجمه عطا محمد سردار نیا ، بعثت ، ۱۳۷۵ ش